



زمینه از یک سو با مدیران و نظرات آنان مواجهند و از سوی دیگر با انتقاد همکاران خود و بنابر این ترجیح می دهند که اظهار نظری نداشته باشند.

ممیزی در تلویزیون

ممیزی هم در تلویزیون، مثل سینما، همیشه وجود داشته است. اگر چه نمی توان زمان و تاریخچه قطعی و مشخصی برای آن ارائه کرد اما به دلیل این که اغلب بر نامه های ضبط شده ای که روی آنتن می روند البته در برخی بر نامه های زنده، مشکلاتی ایجاد می شود به دلیل اجرای زنده، گاه نمی توان اقدامی انجام داد. در مردادماه ۱۳۸۵ پخش بر نامه تلویزیونی کوله پشتی که مجری آن فرزاد حسنی بوده دنبال انتقادهای مسئولان و مقامات جمهوری اسلامی متوقف شده و مجری دیگری به جای او تعیین شد. ممنوع الکار شدن حسنی به دلیل مصاحبه او با احمدضارادان، فرمانده نیروی انتظامی تهران بود که در این بر نامه زنده، از سوی این مجری، انتقادهایی نسبت به نحوه برخورد دماموران انتظامی در طرح ارتقای امنیت اجتماعی با مردم مطرح شد که بازتاب بسیاری را هم در پی داشت. سریال های تلویزیونی هم از این قاعده مستثنی نیستند و گاه بنا به دلایلی دچار مشکل شده و ممیزی می شوند و برخی هم حتی به دلیل اشاره به نکته ای هنگام پخش دچار ممیزی می شوند. حتی وقتی فیلمی که در سینما مجوز می گیرد، به غیر از آن ممیزی سازمان صدا و سیما برای پخش این آثار از شبکه های سراسری اعمال می شود. در واقع اکران برخی از فیلم ها در سالن های سینما با توجه به وضعیت خاص و مخاطبانی که دارند، شاید مشکلات کمتری داشته باشد اما پخش آن ها از شبکه های سراسری با توجه به حساسیت های دینی، اخلاقی، قومی و سیاسی حساسیت های خودش را دارد که لازم است دقت بیشتری به آن شود.

امین تارخ در خصوص ممیزی در تلویزیون می گوید: در حال حاضر در زمینه خط قرمزها کمی لجبازی وجود دارد. به هر اندازه که ماهواره های جهان تصویر و بر نامه هایی را بر ایمان ارسال می کنند و هر کدام از بر نامه ها به نوعی ملت ما را سرگرم می کند، معضلاتی را هم در پی دارد و ما در مقابل این فعالیت ها قیچی سانسورمان را تیزتر و ممیزی را در کارهایمان غلیظتر کرده ایم. شاید به نتیجه برسیم که طبیعتا به نتیجه هم نخواهیم رسید. ممیزی نه در این بر هه از زمان و نه در هیچ بر هه دیگری، نه تنها هیچ خدمتی به مردم نکرده، بلکه لطمه هم وارد کرده است. این کار یک ملت را به لحاظ فرهنگی عقب می اندازد و هیچ کمک

دیگر از معضلات سینمای دفاع مقدس اعمال ممیزی نرم است که از طرف نظام سر مایه وارد می شود. در اکران و تصمیم گیری برای نمایش فیلم های دفاع مقدسی ما، مولفه های سرمایه داری دخیل هستند. برای سینمای ما از حوزه اندیشه دستورات صادر نمی شود بلکه دستورات از حوزه سرمایه داری تحمیل می شوند. مسعود فر استی هم در این خصوص معتقد است: ممیزی کل سینمای ایران دو اصل بیشتر نیست. اول اصول انقلاب و دین ما و دوم دفاع از تمامیت ارضی است که نمی توان آنها را نقض کرد. این دو اصل کلی و روشن است. پس ما می توانیم فیلم ضد جنگ بسازیم اما فیلم ضد دفاع نه. چون کل این اصول را زیر سوال می برد. سینمای دفاع مقدس باید کارشناس و متخصص خودش را داشته باشد. نباید به هر کسی اجازه داد در این حوزه فعالیت و اظهار نظر کند. برای حضور در این زمینه باید صلاحیت اخلاقی فرهنگی داشت. مهمترین مشکل در ممیزی سینمای دفاع مقدس این است که به بر آیند اهمیت نمی دهد بلکه تنها روند قصه را در نظر می گیرد.

البته مهمترین مسئله این است که چه می شود که در کنار فیلم هایی مثل خانه پدری، قصه ها و من عصبانی نیستم از کارگردان هایی که به موضوعات اجتماعی می پردازند، آثار افرا دی چون ابراهیم حاتمی کیا هم ممیزی می شود تا جایی که حاتمی کیا بعد از به نمایش در آمدن فیلم "گزارش یک جشن" گفت: "برای من دستگاه ممیزی همه نظام نیست. "ارغوان" و "گزارش یک جشن" هم همه حاتمی کیا نیست. وقتی این بحث به میان می آید، بر ابراهیم حاتمی و احمدی نژاد و رفسنجانی مطرح نیست. یک مفهوم خیلی بزرگتر مطرح می شود که اگر ترک بردارد، دیگر عزت نفسی بر ابراهیم باقی نمی ماند که بخواهم چیزی بگویم. نمی دانم چه کار باید بکنم. فقط می فهمم که حاضر هم نیستم به هر قیمتی تن بدهم. من به این ممیزان شریف مؤدبه می دهم که وقتی این بلارا سربک فیلمسازی که نسبت خودش با اثر نزدیک است، در می آورند، عملا آینده اش دستخوش تحولاتی می شود. وقتی به فیلم آماده نمایش، مجوز نمایش نمی دهند، یعنی چرخه خلقتش را ناقص کرده اند."

اما با همه این اوصاف و بعد از این فیلم های توقیفی، حاتمی کیا "چ" را ساخت و جوایز جشنواره سال گذشته را هم از آن خود کرد. البته بسیاری از سینماگران در مورد این موضوع راضی به گفت و گو نمی شوند و معتقدند که ممکن است اظهار نظر و انتقاد حتی تعریف در باره آدم ها، مسئولان و در مجموع در باره این موضوع، در روند ساخت و اکران فیلم هایشان تاثیر گذار باشد و در این

عمومی در نیامده است.

دوره بیست و نهم: در این دوره نیز بالاخره حضور چند فیلم به دلیل همان داستان همیشگی به نمایش در نیامد. فیلم هایی چون انتهای خیابان هشتم علیرضا امینی، خانه پدری کیانوش عیاری، زندگی با چشمان بسته رسول صدر عاملی، قصه پریا کاری از فریدون جیرانی که البته فیلم خانه پدری در جشنواره سی و دوم فجر به نمایش در آمد.

همچنین فیلم هایی نیز بوده اند که بنا به برخی دلایل هیچ گاه به نمایش عمومی در نیامده اند؛ فیلم هایی چون آبادان مانی حقیقی، آشیانه اسماعیل براری، ابجد ابو الفضل جلیلی، باد ما را خواهد برد عباس کیارستمی، جزیره آهنی، خواب تلخ محسن امیر یوسفی، که فقط نمایش محدودی در روستای محل فیلمبرداری اش داشت، دایره و طلای سرخ جعفر پناهی، ده عباس کیارستمی، کویر مرگ اسماعیل براری، نیوه مانگ بهمن قبادی، سنگ های ولگرد مر ضیه مشکینی، آنجا عبد الرضا کاهانی و فیلم هایی مانند آدم بر فی، دیدار، تسویه حساب، تر دست و شوریده هم که پس از کش و قوس های فراوان سر انجام به نمایش در آمدند.

سینماگران چه می گویند

اما نظر سینماگران درباره ممیزی در سینما چیست؟ آیا نظر همه آنان نسبت به ممیزی و اعمال نظرات ممیزان یکسان است؟ بهروز معاونیان صداگذار و صداپرداز سینما در این مورد می گوید: ممیزی در سینما همیشه سلیقه ای بوده است و بسته به شرایط جامعه و شرایط فیلم و فیلم ساز ممیزی ها در قالب های مختلفی قابل تعریف بوده است. برای برخی از فیلم ها ممیزی هایی اعمال می شود که برای سایر فیلم ها ممکن است اعمال نشود. البته این نوع ممیزی ها به کلیت سینما لطمه می زند و باعث سر در گمی فیلم سازی می شود که چه چوب ها و قواعدی را در فیلمش رعایت کند که در ادامه دچار مشکل نشود. اما پرویز شیخ طادی در مورد ممیزی در سینمای دفاع مقدس، می گوید: معتقدم که ممیزی تعریفی ندارد بلکه این اعمال سلیقه است که در سینمای دفاع مقدس لحاظ می شود. مثلاً فردی نسبت به یک جریان سلیقه ای دارد اما مسئول بعدی نظر دیگری را اعمال می کند. اگر ممیزی وجود داشت تکلیف سینماگران با فیلم هایشان نیز مشخص می شد. مجموعه سلیقه ها هیچ وقت نمی توانند قانون شوند. ما باید بر اساس تعاریف مشخص و درست قوانینی وضع کنیم که در آن سلیقه ها نتوانند تصمیم گیری کنند. یکی

